



نامه‌ی استانیسلاوسکی به فیرمن ژمیه

# برای مزید اطلاع: من از تأثیر نفرت دارم!

( از کتاب در زیر چاپ استانیسلاوسکی ۱۸۶۳ - ۱۹۶۳ )  
به ترجمه‌ی: ج - نوائی

## آقای عنایت عزیزم ،

سلام و احوال پرسم ، ... حتما شما باید خبر داشته باشید که پانزدهمین کنگره‌ی بین‌المللی تآتر از ۷ تا ۱۱ خرداد ماه امسال در مسکو تشکیل شد و خوشبختانه ، در هیچ یک از نشریات پایتخت ( جز یکی دو تا ، آنهم کوتاه و شتابزده ) درباره‌ی این کنگره مهم مطلبی چاپ نشد . خوشبختانه می‌گویم از آن جهت که ، نشریات به این وزنی و سنگینی آن چنان به چاپ مسائل مهم و فوق‌العاده حیاتی و درخور بحث و شایسته‌ی اعتنا سرگرم هستند که دیگر فرصتی نمی‌یابند تا درباره‌ی مسأله پیش پا افتاده‌ای ! بنام تآتر و یا تشکیل کنگره جهانی آن وقتی تلف کنند و چند سطری به‌عنوان خبر بنویسند ! خداوندگار در این راه و چاه توفیقشان عطا فرماید ! ... باری برای مزید اطلاع عرض می‌کنم که موسسه بین‌المللی تآتر ( وابسته به یونسکو ) در نیمه‌ی اول سال ۱۹۴۸ ، یعنی ۲۵ سال پیش بنیان یافت تا پیشرفت تکنیک

تآتر و تأثیر آن را در روابط انسانی میان ملت‌ها مورد بحث قرار دهد و درباره‌ی پیشنهادات رسیده در زمینه‌ی کمال بخشیدن به هدف‌های عالی و انسانی تآتر در کشورهای عضو و نیز همه‌ی بازیگران ، کارگردانان ، طراحان صحنه و نمایشنامه نویسهای تآتر سراسر جهان ، تقسیماتی اتخاذ کند و به مورد اجراء گذارد .

این موسسه در نخستین مراحل تولدش هشت عضو داشت ، یعنی از هشت کشور جهان در این موسسه نمایندگان به بحث و تبادل نظر می‌پرداختند و دیری نیابید که شماره‌ی کشورهای عضو به ۵۷ رسید که ایران نیز یکی از کشورهای عضو بشمار می‌آید . موسسه بین‌المللی تآتر تا خرداد ماه امسال ، همه ساله کنفرانسه‌ها ، جلسات ، کنگره‌ها و سمینارهایی برگزار کرده و درباره پیشرفت‌ها یا پسرقتهای تکنیک تآتر و نوآوریهای نمایشنامه نویسها یا طراحان و کارگردانها و خاصه درباره شیوه و اسلوب بازیگری هنرمندان تآتر ، به بحث

و بررسی پرداخته است .

در پانزدهمین کنگره بین‌المللی تآتر که در مسکو برگزار شد ، چهار کمیته برای بررسی برنامه‌های تآتری تشکیل شد که هر یک به مطالعات کلی درباره تآتر ، تآتر شنایی (لیریک) ، تآتر جوانان و تآتر جهان سوم اقدام کرد . در کنگره امسال ، تآتر جهان سوم مکان خاصی داشت و نمایندگان کشورهای آسیایی ، افریقائی و امریکای لاتین درباره پیشرفت های شگرف در پهنه تآتر کشورهای جهان سوم به بحث و تبادل نظر پرداختند و در بسیاری از زمینه‌ها ، کار تآتر های جهان سوم را در سطح جهانی تشخیص دادند و برای نمایش آثار نمایشنامه نویسهای جهان سوم برنامه‌ها و طرح‌هایی پی‌ریزی شد .

در پانزدهمین کنگره بین‌المللی تآتر مسکو ، نمایندگان کشورهای ایران ( آقایان فرخ غفاری و دکتر مهدی فروغ شرکت کردند ، اگر چه شنیدم شماره افراد مدعو ، بیش از دوتن بوده ! ) کوبا ، اتریش ، بلغارستان ، آرژانتین ، استرالیا ، دانمارک ، جمهوری عربی مصر ، اسپانیا ، امریکا ، بلژیک ، کانادا ، فنلاند ، عراق ، فرانسه ، جمهوری دموکراتیک کره ، ایرلند ، هند ، اردن ، اسرائیل ، ایتالیا ، ژاپن ، ایسلند ، لبنان ، مغرب ، ترکیه ، اتحاد جماهیر شوروی ، یوگسلاوی ، نروژ ، هلند ، لهستان ، جمهوری دموکراتیک آلمان ، آلمان فدرال ، رومانی ، چکسلواکی ، سوئیس ، سوئد ، سوریه ، یونان ، مجارستان ، انگلیس و چند کشور امریکای لاتین شرکت داشتند . در پایان این کنفرانس مهم تآتری ، تصمیماتی درباره تآتر در جهان سوم و خاصه تآتر جوانان و بهره‌وری فرهنگی از تآتر ، برای بسط و توسعه مناسبات انسانی و معنوی میان کشورهای عضو در سراسر جهان اتخاذ شد که ، امیداست این تصمیم‌گیری‌ها ، بتواند هرچه بیشتر ، این حساس-توین پایگاه هنر را در پیشبرد هدف‌های عالی و انسانی - خاصه در کشورهای جهان سوم که تآترشان باید مسئول و درگیر شونده باشند - باری کند .  
آمین!

مخلص ،

نوالی

بعدالتحریر ، به‌مناسبت تشکیل پانزدهمین کنگره بین‌المللی تآتر ، یاد دو تن از بزرگواران تآتر شوروی و فرانسه را گرامی می‌داریم و در اینجا برگردان نامه‌ای از استانیلاوسکی به فیروین ژمیه (۱) ، بازیگر ، کارگردان ، رئیس تآتر ادوتون فرانسه و یکی از بنیانگذاران اتحادیه بین‌المللی کارکنان صحنه ، را می‌آوریم .

### مسکو ، آوریل ۱۹۳۶

من ، نیز ، در سفر دوساله‌ام با گروه تآتر هنر به تمام کشورهای اروپا و امریکا به‌مفهوم متحدکردن همه بازیگران تمامی کشورها اندیشیدم . در نخستین تماس دیدم که تآتر در همه جا بحرانی خطرناک را سر می‌کند . در برداشت نخست ، موقع و مقام تآتر به‌وسیله سینما تعیین شد . و آنگاه جنگ بر پیکرش ضربه زد و حال ناگزیر ثمره خدمت ذوق و سلیقه‌ی ناپسند عناصر نوحاسته را هم که صاحب سرمایه‌اند ، باید بگردن گیرد ، طبقه مخصوصی از سوداگران که سرمایه‌های تمامی کشورها را در چنگ دارند و به همین سیاق تعیین نقش می‌کنند . مجموعه‌ی نمایشنامه‌ها و اجراهای امروزی بیش‌تر ، خود را باذوق و سلیقه‌ی این طبقه وفق داده‌است . اجراهای پر خرج و نمایش‌های مضحک نص‌گیر و سوشال از زرق و برق همراه با زنان برهنه و توطئه‌های ناشایست ، بیش‌تر همانند سینما ، بخاطر اینان به‌صحنه می‌رود .

در شگفتیم اشخاصی که بر کشورها حکومت می‌کنند و به گسترش زیبایی‌شناسی ، اخلاق و معنویت خلقی که تحت حاکمیتشان هستند ، علاقه دارند ، مانند دیگران ، فراموش کرده‌اند ، که مفاهیم بلند نظرانه‌ی تآتر ، آندسان که بوده ، از فهرست آموزشی و پیشبرد تاثیر ارتباط توده‌گیر ، قلم خورده ، و تنها مفهوم سرگرم کردن بدان سریده شده تا بدین سان آذهنان خلق را از سیاست منحرف کنند .

1- Firmin Gemier (1933-1865)

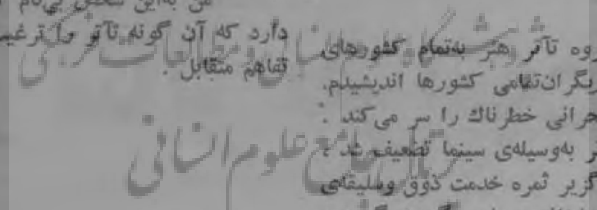
شخصی و الامقام از طبقه‌ی حاکمه ، که ذکر نامش را به سبب آن‌که گفت‌وگوی ما خصوصی بود ، مجاز نمی‌دانم ، با صراحت به من می‌گفت : « مزید اطلاع شما می‌گویم ، من از تآتر نفرت دارم . » بوسیدم : « کدام تآتر ؟ » تآتر تبهگن و مبتدلی که من بیش از شما ، از آن نفرت دارم ، یا تآتر بلندپایه و اصیلی که باید به‌وسیله هردولتی بسان یکی از بهترین سلاحها به منظور گسترش دوستی و تفاهم متقابل میان کشورها بکار گرفته شود ؟ » پس از آن ، درباره تآتر به عنوان وسیله پیروزی صلح جهانی ، گفت‌و گویی کسل کننده و طولانی داشتیم ، از صلحی سخن گفتیم که در تمامی نقاط جهان هم‌اکنون که جنگ پایان یافته ، از آن بسیار سخن می‌رود .

تقریباً در تمام کشورهایی که می‌بایست با زبانی ناآشنا در برابر جماعتی خارجی ، ایفاء نقش کنم ، جماعتی که برای ما یکسره ناآشنا بودند ، مجموعه‌ای از نمایشنامه‌های ناشناخته را از يك کشور پرت افتاده شرقی که برایشان یکسره بیگانه بود ، تماشا می‌کردند ، از هم ایشان شنیدیم که می‌گفتند : « چنین اجرایی برآرتب بیش از تمام کنفرانس‌ها ، گردشهای تحقیقی ، کنگره‌ها ، سخنرانیها و رساله‌های علمی - که در بیان روح يك ملت به منظور دریافت بهتر آن سخت کوشانند ، به ما چیز می‌آموزد . »

این توانایی تآتر ، کاملاً قابل فهم است . اگر نبوغهای ملی ، ژرفترین و شاخص‌ترین خصلتهای روح مردم خود را در يك کار در برگزیده‌ی هنری بیان کنند ، و اگر با استعدادترین بازیگران يك کشور ، به‌جمع بهترین کارگردانها ، هنرمندان و دیگر استادان هنر تآتر گروهی ما پیوندند - هنرمندانی که به یاری تلاش مشترک کار این نبوغها را منتقل می‌کنند ، یعنی روح مردم و جزئیات زندگی را که بروان این مردم تاثیر می‌گذارد - و آنگاه اگر ، این مفسران زنده ، در کشورهای خارجی در صحنه ظاهر شوند و دوباره چیزهایی که طبیعت معنویشان را دربر می‌گیرد ، صادقانه گفت و گو کنند ، به هیچ روی شگفت‌آور نخواهد بود اگر چنین هنری و چنین اجرایی ، عواطف نامحسوس ، و نادیده‌ی فوق ادراک انسانی را - که به مراتب بیش از شناخت و دریافت دیگر مردم و دیگر کشورها ضروری است - به آنان بیشتر منتقل کنند . نه يك گزارش علمی ، نه يك سخنرانی ، رساله ، کنفرانس ، کتاب بی‌اثر یا نشوبه ، هیچ يك نمی‌توانند از تنه‌ی این فهم برآیند .

آنها قلمرو خاص خود را دارند و شفاها و باکلام مکتوب ، ادای مقصود می‌کنند . حال آن‌که قلمرویی که بازیگران ساکنی آند ، به‌طور قلمرویی از روح به روح یرتو می‌گسترند .

من به این شخص بی‌نام گفتم که این امر در قلمرو مسئولیت آنان قرار دارد که آن گونه تآتر را ترغیب کنند ، تآتری از تواد انسانی ، تآتری از تفاهم متقابل .  
ک . الکسیف



تفاهم متقابل